

دوفصلنامه علمی - تخصصی زبان و ادبیات فارسی شفای دل
سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۰ (صص ۱۰۱-۱۱۵)

نوستالوژی میهن دوستی در اشعار میرزاده عشقی با میقاتی طرابلسی و ساعاتی مصری

کتایون فلاحی^۱

زهرا مهاجر نوعی^۲

چکیده

در ایران و دیگر کشورهای عربی همواره شاعرانی بوده‌اند که برای سربلندی و رهایی میهن کوشیده و شعرشان را در خدمت وطن قرار داده‌اند. در میان این شاعران وطن‌دوست می‌توان به میرزاده عشقی، میقاتی طرابلسی، ساعاتی مصری اشاره کرد که برای روشن‌ساختن افکار عمومی تلاش کرده و صدای وطن در برابر بیگانان و فساد دستگاه‌های دولتی شده‌اند. میرزاده عشقی شاعر و روزنامه‌نگار دوران مشروطیت ایران نیز یک انقلابی پرشور و احساس‌بنده که از شعرش به عنوان سلاحی برنده جهت ابراز عقیده‌اش استفاده کرده و شعر، قلم و زبان خویش را در خدمت اهداف سیاسی و وطن‌قرار داده است. میقاتی و ساعاتی دو شاعر قرن نوزدهم میلادی بودند که وصف میهن در اشعار آنان نسبت به شاعران دیگر تجلی بیشتری داشته است. این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از کتب و مقالات متعدّد در پی تحقیق دو هدف اساسی است: برشمردن ویژگی‌های مشترک در شعر این شاعران و بیان تفاوت‌های شعری این سه شاعر از حیث سبک خیال و اندیشه در بیان عواطف میهن‌دوستانه. از یافته‌های این پژوهش می‌توان به پیدایش درون مایه‌های مردمی از خلال وصف میهن، خیال‌پردازی نو و تفاوت این سه شاعر از جهت تصاویر شعری در توصیف میهن اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: شعر، سبک، خیال، میهن، میرزاده عشقی، میقاتی، ساعاتی.

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. (نویسنده مسئول)
Ktu.fallahi@yahoo.com

Mohajer_zahra@yahoo.com

۲- مدرس تمام وقت دانشگاه فرهنگیان.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۵

۱- مقدمه

شاعران از دیرباز به توصیف وطن در سروده‌های‌شان پرداخته‌اند، اما این وصف به عنوان یک درون‌مایه مستقل در شعر نبوده است تا این‌که در قرن نوزدهم میلادی که مقارن با دوران بازگشت ادبی در ایران بود، به دلیل ستم فرمانروایان عثمانی در سرزمین‌های عربی و وجود حاکمان ستمگر در ایران و ناامیدی شاعران از بخشش آنان، به شکل یک غرض شعری نمود پیدا کرد؛ زیرا آنان توصیف میهن را برتر از وصف سجایای ممدوحانی می‌دانستند که بخششی از سوی آنان حاصل نمی‌گردید. میرزاده عشقی (۱۲۷۳-۱۳۰۳)، میقاتی (۱۲۴۵-۱۳۰۱) و ساعاتی (۱۲۴۱-۱۲۹۸) نیز از این امر مستثنی نبودند؛ بدین معنا که وصف میهن به عنوان یک محتوای مستقل در ضمن دیگر اغراض شعری آنان آشکار گردیده است. این شاعران از پیشروان شاعران این دوره از نظر به کارگیری سبکی محکم و استوار در بیان توصیف سرزمین‌های خویش بوده‌اند. شاید در پاره‌ای از موارد شیوه فولکلوریک شاعران دوره فترت در محتوای میهن‌دوستی دو شاعر عرب‌تبار نمود پیدا کرده است، اما باید دانست که این اقتفا از جهت فرم بوده و محتوا از سوی این دو شاعر کاملاً مبتکرانه خلق شده است. در اوصاف میهن‌دوستی میقاتی و ساعاتی گاه ساختار شعری محکم شاعران دوره عباسی به چشم می‌خورد. این دو شاعر بیشتر اوصاف وطن‌دوستی خود را در قالب شعری قصیده منظوم نموده‌اند؛ اگرچه گاهی پاره‌ای از ساختار شکنی‌ها به لحاظ شکل و وزن در توصیف‌های میهنی آن‌ها دیده می‌شود.

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

شاعران عرب و فارسی‌تبار در قرن نوزدهم میلادی بیشتر اشعارشان را از نظر قالب و محتوا با شیوه‌های عامیانه منظوم نموده‌اند. از این روی در قرن نوزدهم به ویژه پنجاه سال نخست شاعران همچنان از سبک شاعران دوره فترت در نظم اشعار به لحاظ فرم و محتوا پیروی می‌نمودند، اما با توجه به آن‌که برخی از شاعران این دوره همچون عشقی، میقاتی و ساعاتی در تقلید و نوآوری در اسلوب نظم اشعار

میان‌ه‌رو بودند، تنها شیوه‌های فولکلوریک را به پیروی از شاعران دوره فترت در نظم اشعار به کار نگرفتند و یا صرفاً به شیوه شاعران بزرگ پیشین اکتفا نمودند، بلکه در سبک نظم به لحاظ برخی جوانب شکلی و معنایی به تجدید و نوآوری دست زدند که یکی از این نوآوری‌ها همان خلق معنای وطن‌دوستی در شعر بود. این پژوهش برآن است تا به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

- سروده‌های ملی میرزاده عشقی، میقاتی طرابلسی و ساعاتی مصری از چه وجوه اشتراک و افتراقی برخوردارند؟
- شاعران مذکور در سبک و ساختار بلاغی اشعار خویش از چه آرایه‌هایی بهره برده‌اند؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

ضرورت انجام این پژوهش از چند جنبه است:

- ۱- در ادوار گذشته شاعران اغلب در خدمت سلاطین و حکام بودند، اما در دوره معاصر بنا به شرایط خاص سیاسی، شعر از خدمت قدرتمندان خارج شد و به عنوان وسیله‌ای برای بیان نظرات و نیل به اهداف انسانی قرار گرفت.
- ۲- به دلیل محدود بودن منابع عربی مربوط به شعر قرن نوزدهم میلادی، وصف میهن در اشعار میقاتی و ساعاتی زیاد مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است.
- ۳- سبک شعر در وصف میهن با دوره‌های ادبی دیگر کاملاً متفاوت است.

۱-۳- پیشینه تحقیق

درباره شعر قرن نوزدهم میلادی و شاعرانی که در این دوره می‌زیسته‌اند، کتب و مقالاتی ارزشمند به رشته تحریر درآمده است که جوانب کلی سبک شاعران را از جهت شکل یا محتوای شعر بررسی کرده‌اند، اما درباره مفهوم میهن‌دوستی در اشعار میرزاده عشقی، میقاتی و ساعاتی تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. از نمونه پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مقاله "تحلیل مفهوم وطن در شعر و اندیشه میرزاده عشقی" به قلم میلاد شفیعی و مینو بیطرفان، نشریه شعر پژوهی دانشگاه شیراز، ۱۳۹۳، ش ۱۹.

مقاله "الأدب المصری فی القرن التاسع عشر (الشعرالمصری)" به قلم احمد ضیف، مجله مجموعه علوم انسانی، المقتطف شام (مصر)، ۲۰ ذی القعدة ۱۳۴۴، الجزء ۶.

کتاب "تاریخ الآداب العربیة فی القرن التاسع عشر و الربع الأول من القرن العشرين" نوشته لویس شیخوالیسوعی، بیروت، ۱۹۸۶م، دارالمشرق.

۲- بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱- نوستالوژی میهن‌دوستی در سروده‌های میرزاده عشقی، میقاتی و ساعاتی

۲-۱-۱- وصف طبیعت زیبای میهن در مقدمه تغزلی قصاید مدحی

«به نام عشق وطن» نام منظومه‌ای بلند و اعتراض‌آمیز از عشقی است که در آن علاوه بر بیان علاقه فراوانش به وطن و وطن‌پرستی، بر معاهده بین ایران و انگلیس می‌تازد و آن را برخلاف منافع سرزمین ایران می‌داند. این شعر علاقه شدید شاعر به وطن را نشان می‌دهد. مطلع آن چنین است:

خاکم به سر ز غصه به سر خاک اگر کنم خاک وطن که رفت چه خاکی برسرکنم
معشوق عشقی ای وطن، ای عشق پاک من! ای آن که ذکر عشق توتیام و سحر کنم
(عشقی، ۱۳۷۹: ۳۷۷)

در میانه قرن نوزدهم میقاتی و ساعاتی بیش از پیش طبیعت دل‌ربای وطن را در مقدمه تغزلی قصیده‌های مدحی خود وصف کرده‌اند؛ بدین‌گونه که بیشتر صور مخیل آنان به جای توصیف خصال نیکوی ممدوح با هدف کسب روزی از او، درباره طبیعت میهن سروده شده است. برای نمونه میقاتی در قصیده‌ای با مضمون ستایش «درویش شنبورزاده» به توصیف مناظر طبیعی طرابلس پرداخته است (جبور، ۱۹۵۹:

تُرَابُهَا الْمِسْكُ وَ حَصْبَاوُهَا مِنْ أَنْفُسِ الدَّرِّ الَّذِي يُقْتَنَى^۱
وَمَاوُهَا الْكُوْثَرُ يَرُوِي الصَّدَا وَ رِيحُهَا الْمُعْتَلُّ يَشْفِي الضَّنَا^۲

(المیقاتی؛ أفندی، ۱۳۰۴: ۹۶)

و ساعاتی ضمن ستایش این عون، احساسات میهن‌دوستانه خود را این چنین در مقدمه تغزلی قصیده مدحی آشکار کرده است:

وَ مِصْرُ هِيَ الدُّنْيَا جَمِيعًا وَ رَبُّهَا عَزِيزٌ وَ أَهْلُهَا هُمُ النَّجَبَاءُ^۳
خَزَائِنُ أَرْضِ اللَّهِ مِصْرٌ وَ كَمْ أَتَى حَدِيثٌ رَوَتْهُ السَّادَةُ الْقُدَمَاءُ^۴

(الساعاتی؛ أفندی، ۱۹۱۱: ۶)

۲-۱-۲- وصف میهن با اسلوب قرآنی و اسلامی

عشقی در جایی از «گلاستون» نخست وزیر انگلستان که پیشرفت بریتانیای کبیر در ایران و استعمار ممالک اسلامی یا خاورمیانه را در محو قرآن مجید می‌دانست، یاد می‌کند و از این نظر نگران است:

آن که گفتی محو قرآن را همی باید نمود عن قریب این گفته با سرنیزه مقرون می‌کند
وای از این مهمان که پا در خانه نهاده هنوز پای صاحب خانه را از خانه بیرون می‌کند
(عشقی، ۱۳۵۷: ۳۳۵)

میقاتی و ساعاتی به سبب ترس از فرمانروایان بیگانه که اجازه نمی‌دادند آنان آشکارا زیبایی‌های طبیعت وطن‌شان را وصف کنند، در اثنای ستایش ممدوح بدان

- ۱- خاک لبنان مشک است، سنگریزه آن از مرواریدی گرانبها جمع آوری می‌شود.
- ۲- و آبش حوض کوثر است، تشنه را سیراب می‌کند و باد ملامش بیماری را شفا می‌دهد.
- ۳- و مصر تمام دنیا است، پروردگارش عزیز است و ساکنانش تمامی از نجیب زادگان هستند.
- ۴- مصر گنجینه‌های سرزمین خداوند است و چه بسیار سخنی که آن را سروران و پیشینیان روایت کردند.

می‌پرداختند و خاطرنشان می‌کردند که وجود ممدوح مسلمان بر زیبایی‌های طبیعت میهن آنان افزوده است. برای نمونه عواطف وطن‌دوستانه میقاتی این‌گونه بر زیبایی‌های طبیعت طرابلس از رهگذر وجود ممدوح مسلمان تأکید دارد (خازن، بی تا: ۵۳؛ ضیف، ۱۳۴۴: ۱۶/۶):

وَ تَمَايَلَتْ طَرْبًا طَرَابُلُسُ لِمَا قَدْ نَلْتُهُ لَللَّهِ شُكْرًا تَسْجُدًا
وَ بَلَابِلُ الْأَفْرَاحِ فَوْقَ عُصُونِهَا قَامَتْ تُسَبِّحُ رَبَّهَا وَ تُمَجِّدُ^۲

(المیقاتی؛ آفندی، ۱۳۰۴: ۳۳)

ابتکار ساعاتی نیز در وصف زیبایی‌های میهن ضمن ستایش ممدوح مسلمان، از تصاویر قرآنی در ارتباط با ویژگی‌های بهشت برای آفرینش صور خیال تازه، الهام گرفته است. برای نمونه او برای وصف نعمت‌های مصر از «قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ» در آیه (۲۳) سوره «حاقه» بهره گرفته است:

فَأَبْصَرْتُ فِرْدَوْسًا تَدَانَتْ قُطُوفُهَا وَ لِلنَّيْلِ فِيهَا كَوْثَرٌ وَ شَفَاءٌ^۳

(الساعاتی؛ آفندی، ۱۹۱۱: ۶)

۲-۱-۳- به کارگیری فن تشخیص در بیان عواطف میهن‌دوستانه

یکی دیگر از شباهت‌های این سه شاعر در به‌کارگیری هنر تشخیص است؛ بدین‌گونه که عشقی بر آن است که بریتانیای کبیر می‌خواهد سیاست خارجی ما با عثمانی و روس تیره باشد، اما موش و گربه‌بازی‌های اجانب به‌ویژه انگلیس نمی‌تواند راهنمای ملت ایران باشد:

-
- ۱- سرزمین طرابلس به دلیل شادمانی منعطف گردید، به خاطر آنچه به آن دست یافته‌ام از جهت شکرگزاری سجده به جای می‌آورد.
 - ۲- و بلبل‌های شادمانی بر فراز شاخه‌هایش ایستادند؛ در حالی که پروردگار خود را تسبیح و تمجید می‌کنند.
 - ۳- پس بهشتی را دیدم که شاخه‌هایش به یکدیگر نزدیک است و رود نیل در آن حوض کوثر و شفاست.

نازم به گوی بازی مردان انگلیس خم گشته پشت دهر، زچوگان انگلیس
ایران و هند و تازی و سودان و ترک و چین افتاده همچو گوی، به میدان انگلیس
(عشقی، ۱۳۵۷: ۳۳۵)

برای نمونه میقاتی با به کارگیری هنر تشخیص در القای احساسات
میهن‌دوستانه خود به مخاطبان این‌گونه یاری رسانده است:

وَ أَفْتَرَّ نَعْرُ طَرَابُلُسَ بِهِ فَرِحًا ۱ وَ اسْتَبَشَّرَتْ بِالْمَنَى مِنْهُ أَمَانِينَا ۱
وَ غَرَّدَتْ سَاجِعَاتُ الْوَرَقِ مِنْ طَرَبٍ ۲ بِرَوْضِهِ أَفْنَانُهَا تَبْدَى أَفَانِينَا ۲
(المیقاتی؛ أفندی، ۱۳۰۴: ۹۴)

ساعاتی از رهگذر هنر تشخیص، طراوت و شادابی را به مناظر طبیعی سرزمین
مصر بخشیده است:

عَنْتَ حَمَائِمُهَا وَ صَفَقَ نَيْلُهَا ۳ وَ عُصُونُهَا رَقِصَتْ عَلَى النِّعَمَاتِ ۳
وَ رِيَاضُهَا بِالزُّهْرِ حِينَ تَتَوَجَّتْ ۴ لَعِبَتْ يَدُ النَّسَمَاتِ بِالْعَدَبَاتِ ۴
(الساعاتی؛ أفندی، ۱۹۱۱: ۲۰)

کاربرد افعال متنوع از نظر اصوات، خیال‌های شعری میقاتی و ساعاتی را متحرک
و زنده نشان می‌دهد. این دو شاعر نه تنها به توصیف تصویری از طبیعت - که در
حوزه بینایی است - پرداخته‌اند، بلکه به آهنگ‌ها و نغمه‌های مرغان در طبیعت نیز
توجه کرده و خواننده را هم از راه گوش و هم از راه چشم به موضوع وصف خود
نزدیک کرده‌اند (شقیق لبنانی، ۱۸۸۸: ۱۳).

-
- ۱- به خاطر شادمانی طرابلس خندید و دندانش آشکار شد و به دلیل آرزوها خرم شد.
 - ۲- کبوتر خاکستری رنگ از روی شادمانی به شکل یک صدا آواز خواند، در گلستانی که شاخه‌هایش انبوه است.
 - ۳- کبوترهایش آواز خواندند و رود نیل جاری گشت (صدایش برخاست) و شاخه‌هایش با نغمه‌ها رقصیدند.
 - ۴- آن‌گاه که گلستانش با شکوفه‌ها مسرور شد، دستان نسیم با ملایمت بازی کرد.

۲-۱-۴- تعابیر شعری ساده با زبان گفتار

میرزاده عشقی، میقاتی و ساعاتی در وصف زیبایی‌های سرزمین خود تعابیر شعری ساده را به همراه توصیفات محسوس به کار گرفته‌اند؛ زیرا مخاطب آنان تمامی مردم بوده‌اند. برای نمونه از نظر عشقی سرزمین ایران و اوضاع کنونی آن بسیار نابسامان و شبیه دوره چنگیز است:

نکبت و ذلت و بدبختی و آثار زوال از سر و پیکر ما مردم دون می‌ریزد
تخت جمشید ز بی‌حسی ما بر سر جم خشت با سرزنش از سقف و ستون می‌ریزد
(عشقی، ۱۳۷۹: ۲۳۳)

برای نمونه میقاتی در ادبیات زیر با شیوه‌ای سهل و سلیس وطن خویش را توصیف کرده است:

وَ الرَّوْضُ فَاحَ عَیْرَهُ وَ الزَّهْرُ كَلَّلَهُ النَّدَا
وَ سَرَى النَّسِیْمُ عَلَی الرَّبَا سَحْرًا فَطَابَتْ مَوْرِدَا
(المیقاتی؛ أفندی، ۱۳۰۴: ۴۷)

و ساعاتی با تعابیری که به فهم عامه مردم نزدیک است، بدین‌گونه سرزمین مصر را توصیف می‌کند:

وَ ذَاتُ قَرَارٍ وَ هِیَ خَیْرُ مَدِیْنِهِ وَ مُلِکٌ عَظِیْمٌ أَهْلُهُ عَظَمَاءٌ
عَلَى أَنَّهَا مِنْ جَنَّةِ الْخُلْدِ غِیْضُهُ رِیَاضٌ بِهَا عَیْنٌ وَ أَنْتَ ضِیَاءٌ
(الساعاتی؛ أفندی، ۱۹۱۱: ۵)

- ۱- و گلستان بوی عبیرش پخش شد، شکوفه با شبنم آراسته گردید.
- ۲- نسیم بر فراز تپه‌ها جاری گشت، بامدادی که زمان ورودش با این نسیم نیکو شد.
- ۳- و جای آرامش و برتری شهر است؛ سرزمین پهناوری که ساکنانش بزرگان هستند.
- ۴- باتوجه به این‌که سرزمین مصر تکه‌ای از بهشت جاودان با درختان تو در تو است؛ گلستانی که در آن چشمه است و تو نوری در آن گلستان.

۲-۲- افتراق سبک عشقی، میقاتی و ساعاتی در نظم مضمون وطن‌دوستی

۲-۲-۱- تفاوت از حیث وحدت موضوع

درباره معنای واحد در اشعار میهن‌دوستی عشقی، میقاتی و ساعاتی ضروری می‌نماید، بگوییم در بیشتر قصاید میقاتی که وصف وطن بر ستایش ممدوح غلبه دارد، وحدت موضوع به چشم می‌خورد؛ زیرا در تمام بیت‌ها وصف طبیعت میهن ضمن ستایش ممدوح نمود پیدا کرده و موجب شده است تا محور افقی و عمودی خیال شاعر توازن داشته باشد (نوفل، ۱۹۴۵: ۶۹-۷۵):

لَتَهْنَ طَرَابُلُسُ الشَّامِ بِمَا حَوَتْ مِنْ الْفَضْلِ وَ لَتَفَخَّرَ بِنَيْلِ الْمَطَالِبِ
تَغَنَّتْ طَيُورُ الْأَنْسِ وَسَطَّ رِحَابُهَا وَ حَفَّتْ بِهِ الْأَفْرَاحُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ^۲

(المیقاتی؛ أفندی، ۱۳۰۴: ۱۳)

این حقیقت درباره تمامی قصاید مدحی میقاتی که وصف وطن بر آن غلبه دارد، صدق می‌کند، اما ساعاتی پس از توصیف زیبایی‌های طبیعت مصر به شیوه‌ای صریح و بی‌پیرایه در هر بیت اوصاف نیکوی ممدوح را نیز برمی‌شمارد. برای نمونه وی پس از توصیف سرزمین مصر، این چنین ممدوح را در ابیات زیر ستوده است:

رَفَعَ الْقَوَاعِدَ مِنْ دَعَائِمِ دَوْلِهِ عَزَّتْ بِهِ فَنظِيرُهَا لَا يُنْظَرُ^۳
قَدْ طَاوَلَتْ بَعْدَلَ كِسْرَى وَ اعْتَلَّتْ شَرْفًا وَ قَصَّرَ عَنْ مَدَاهَا قَيْصَرُ^۴

(الساعاتی؛ أفندی، ۱۹۱۱: ۴۴)

۱- به سرزمین طرابلس شام به خاطر آنچه که از فضیلت و بزرگی در بردارد باید تبریک گفت و به رسیدن خواسته‌ها باید افتخار کرد.

۲- پرندگان انس و الفت درگستره بیکران آن آواز خواندند. شادمانی سراسر آن را احاطه کرد.

۳- قوانین را از ستون‌های دولتی برافراشت که به خاطر وجود وی این دولت عزیز گردید، پس مانند این دولت دیده نمی‌شود.

۴- با عدالت کسری در اندازه رقابت کرد و به خاطر شرافت برتری یافت و قیصر در اندازه از وی کوتاه

با مروری بر دیوان میرزاده عشقی به این نکته پی می‌بریم که این شاعر انقلابی نیز همچون دیگر شاعران مشروطه، وطن را در مفهوم مشخصی به کار برده است. وجود اشعاری با نام‌های «عشق وطن»، «به نام عشق وطن»، «درد وطن»، «پیشانی ایران» بیانگر بسامد بالای مضمون وطن در آثار شاعر است؛ به علاوه سرگذشت عشقی و رویدادهایی که در زندگی‌اش رخ داده، اهمیت این موضوع را بیشتر جلوه‌گر می‌سازد (زرقانی، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

«به نام عشق وطن» نام منظومه‌ای بلند و اعتراض‌آمیز از عشقی است که در آن علاوه بر بیان علاقه شدیدش به وطن و وطن‌پرستی بر معاهده بین ایران و انگلیس می‌تازد و آن را بر خلاف منافع سرزمین ایران می‌داند:

هرچه من ز اظهار راز دل تحاشی می‌کنم بهر احساس خود مشکل تراشی می‌کنم
زاشک خود بر آتش دل آب‌پاشی می‌کنم باز طبعم بیشتر آتش‌نشانی می‌کند
(عشقی، ۱۳۷۹: ۳۰۹)

۲-۲-۲- تفاوت به لحاظ سبک خیال

عشقی در حوزه شعر سیاسی و اجتماعی شاعری بزرگ و نامدار محسوب می‌شود، اما از نظر ادبی و آشنایی با فنون و تکنیک‌های شعری مهارت ندارد و هنوز به اوج هنر شعری خود نرسیده است:

اوایل گل سرخ است و انتهای بهار نشسته‌ام بر سنگی کنار یک دیوار
درون مغزم از افکار خویش چراغانیست چرا که در شب مه، فکر نیز نورانیست
(عشقی، ۱۳۵۰: ۱۷۴)

میقاتی خیال خود را با سبکی فراخ معطوف به ستایش ممدوح می‌کند و برای خلق تصاویر خیال‌انگیز تنها از عناصر طبیعی که بیانگر ویژگی ذاتی بخشندگی ممدوح باشد، استفاده نمی‌کند، بلکه با الهام گرفتن از تمامی عناصر طبیعت، تصاویر شعری را خلق می‌کند که از زیبایی‌های طبیعت طرابلس حکایت دارد و وجود

ممدوح این زیبایی‌ها را دو چندان کرده است:

وَزَهَتْ بِطَلْعَتِكَ الدِّيَارُ وَ أَشْرَقَتْ مِنْ نُورِ وَجْهِكَ سَائِرُ الأَرْجَاءِ^۱
وَ الوُرُقُ مِنْ طَرَبٍ عَلَى أَفْنَانِهَا غَنَّتْ لَنَا بِالرَّوْضِ الغَنَاءِ^۲

(المیقاتی؛ أفندی، ۱۳۰۴: ۴)

ساعاتی احساسات میهن‌دوستانه را مجالی برای وصف امنیت و آرامش در سرزمین مصر دانسته است. برای نمونه او در اثنای ستایش «ابن عون» این احساسات را با هدف بیان آرامش سرزمین «مصر» این‌گونه سروده است:

هَلْ مِصرُ أَلَا رَوْضَهُ بَلْ جَنَّهُ وَ النَّيْلُ نَهْرٌ وَ الحَقِيقَةُ كَوْتُهُ^۳
وَ بِهَا المَوَاكِبُ كَالكُوكِبِ حَوْلَهُ وَ مِنَ الأَسِنَّةِ أَنْجُمٌ لَاتَحْصَرُ^۴
تُمْسِي وَ تُصْبِحُ تَحْتَ ظِلِّ مُمْلَكٍ كَالْبَدْرِ دَارَتُهُ المُنِيرَةَ عَسْكَرُ^۵

(الساعاتی؛ أفندی، ۱۹۱۱: ۴۴)

۲-۲-۳- تفاوت از جهت نوع تصاویر شعری

اغلب صور خیال عشقی کلیشه‌ای و قدیمی است، اما تشبیهات زنده و پویا که گاهی در بافت شعر جریان پیدا می‌کند، کم و بیش بر جاذبه اشعارش افزوده است. برای نمونه در «سه تابلوی مریم» تصاویر نسبتاً قوی هستند و در کل شعر جریان می‌یابند (بهمنی مطلق، ۱۳۸۵: ۱۰):

۱- با چهره تو سرزمین درخشید و از نور رخسار تو تمامی نقاط تابناک شد.

۲- کیبوتر خاکستری رنگ به خاطر شادمانی بر روی شاخه‌های گلستان برای ما آواز خواند.

۳- آیا سرزمین مصر به غیر از گلستان است؟ بلکه بهشت؟ و رود نیل نهر است و در حقیقت حوض کوثر.

۴- درسرزمین مصر گروه‌های همراه مانند ستارگان پیرامونش هستند و در میان نیزه‌ها ستارگانی است که قابل شمارش نمی‌باشند.

۵- صبح، شب می‌شود و شب صبح، در سایه پادشاهی که مانند ماه است و هلال دور او سپاهیان را درخشان می‌کند.

شیر هم باشیم گر ما، روبه دهر است او شیر را روباه معروف است، مغبون می‌کند (عشقی، ۱۳۵۰: ۱۷۴)

میقاتی با اسلوب کلی و فراگیر تصاویر شعری را خلق کرده است که به کمک آن سرزمین طرابلس را توصیف می‌کند. هدف شاعر افزون بر وصف طبیعت میهن، کسب روزی از ممدوح بوده است. برای نمونه وی در ابیات زیر خاندان «کاتفلیس» را مایه زیبایی سرزمین «طرابلس» دانسته است (الخازن، بی تا: ۷۸):

كَانَهَا الْجَنَّةَ فِي حُسْنِهَا لِلهِ مَا أَبْهَى وَ مَا أَحْسَنًا^۱
بِالْحُورِ وَ وِلْدَانِ مَعْمُورَه قُصُورُهَا إِذْ أَصْبَحَتْ مَسْكِنًا^۲

(المیقاتی؛ أفندی، ۱۳۰۴: ۹۶)

هر چند مطلع برخی قصاید مدحی ساعاتی معنایی تغزلی دارد، تغزل او تنها به منظور وصف زیبایی‌های طبیعت است. برای نمونه در مطلع قصیده زیر بدین گونه زیبایی‌های مصر توصیف شده است:

الزَّهْرُ لِابْتِسَامٍ عَن لُؤءِ المَطَرِ وَ فِي النَّسِيمِ شِدَاً مِنْ نَشْرِهِ العَطْرِ^۳
فِيهِمَ التَّوَانِي وَ تَغْرُ الصَّبْحِ يَضْحَكُ مِنْ نَجْمٍ عَلَى اللَّيْلِ أَضْحَى ذَاهِبَ البَصْرِ^۴
وَ التَّرْجِسُ الغَضُّ فِي أَجْفَانِهِ سَقَمٌ عَنِ اللُّوَاظِ يَرُوي صِحَّةَ الخَبْرِ^۵

(الساعاتی؛ أفندی، ۱۹۱۱: ۵۸-۵۹)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱ - انگار او در نیکویی بهشت است؛ شگفتا! چه زیبا و چه نیکو.
- ۲ - قصه‌هایش با زیبارویان و غلامان جوان آباد شده است؛ آن‌گاه که در آنجا ساکن شدند.
- ۳ - شکوفه در میان باران مرواریدگونه خندان است و بوی خوش عطرش از لابه‌لای نسیم منتشر گردید.
- ۴ - سستی و ضعف برای چه؟ در حالی که دندان صبح (سپیدی صبح) از لابه‌لای ستاره‌ای که بر فراز شب است، می‌خندد و بیننده را وارد چاشت‌گاه می‌کند.
- ۵ - و نرگس با طراوت در میان پلک‌هایش بیماری است که از میان دیدگان خبر درست را روایت می‌کند.

۲-۲-۴- تفاوت به لحاظ سبک اندیشه

از نظر عشقی، سرزمین ایران و اوضاع کنونی آن بسیار نابسامان است و مردم هیچ دلخوشی ندارند (مشیر سلیمی، ۱۳۷۵: ۴۷):

نکبت و ذلت و بدبختی و آثار زوال از سر و پیکر ما مردم دون می‌ریزد
تخت جمشید ز بی‌حسی ما بر سر جم خشت با سرزنش از سقف و ستون می‌ریزد
(عشقی، ۱۳۵۰: ۱۷۴)

همان‌گونه که در نمونه‌های بالا ذکر شد، نخستین هدف میقاتی از وصف سرزمین طرابلس توصیف میهن خود بوده و سپس از ممدوح درخواست روزی کرده است. از این رو وفق اندیشه وی تنها معطوف به وصف میهن گردیده است، اما ساعتی اندیشه و خیال را در قصاید مدحی تنها به وصف زیبایی‌های میهن معطوف نکرده است، بلکه احساسات وطن‌دوستانه را جولانگاهی برای بیان دلاوری‌های ممدوح، سپاهیان و لشکریان در میدان نبرد با هدف گسترش همبستگی میان اعراب در ضدیت با استعمارگران در قالب اندیشه‌های فرامیهنی به کار برده است. برای نمونه ساعتی در ابیات زیر پس از وصف میهن، جوش و خروش میدان کارزار و دلاوری‌های ممدوح و سپاهیان را در رویارویی با سپاهیان دشمن این گونه به تصویر کشیده است (شیخو الیسوعی، ۱۹۸۶: ۴۶۷):

إِذَا التَّقَّتِ الْأَعْدَاءُ وَحِيدٌ عَنِ الْوَعَى أَتَاهُ لِهَامَ الْعَبْدِ لِيَّ وَحِيداً^۱
وَ لَوْ شَاءَ قَادَ الْجُنْدَ مِنْ كُلِّ مُسْبِغٍ حَدِيداً مُغِلٌّ فِي الْخَمِيسِ حَدِيداً^۲

(الساعتی؛ أفندی، ۱۹۱۱: ۶۵)

۱ - هنگام رویارویی با دشمنان در میدان جنگ تنهاست و به تنهایی این سپاه عظیم را نابود کرد.
۲ - و اگر در میان سربازان زره‌پوش آهنی قصد فرماندهی داشته باشد، کینه‌جویی آهنی در میان لشکر جرّار است.

۳- نتیجه گیری

۱- عشقی، میقاتی و ساعاتی با رعایت اعتدال در به کارگیری آرایه‌های بدیعی و یارهایی از بند آن شعر را بستری برای بیان احساسات و وطن‌دوستانه با تعبیر شعری ساده برگزیده‌اند.

۲- به دلیل تعاملات فکری- فرهنگی میان دو سرزمین و شرایط مشابه اجتماعی - سیاسی می‌توان گفت عشقی، میقاتی و ساعاتی در شکل بیان احساسات و وطن‌دوستانه از یکدیگر تأثیر پذیرفته‌اند.

۳- به دلیل ترس از حاکمان بیگانه مضمون میهن‌دوستی در اشعار میقاتی و ساعاتی در مقدمه تغزلی قصاید مدحی به شیوه‌ای کلاسیک و در شعر عشقی در قالب غزل آشکار گردیده است.

۴- سبک اسلامی عشقی، میقاتی و ساعاتی در بیان احساسات میهن‌دوستانه یکی از وجوه مشترک آنان به لحاظ اندیشه بوده است.

۵- از آنجایی که مخاطب این شاعران توده مردم بوده‌اند، آن‌ها در بیان اندیشه‌های‌شان تعبیر شعری ساده و تصاویر شعری مادی و ملموس را به کار گرفته‌اند تا درک اشعارشان آسان باشد.

۶- وصف وطن در اشعار عشقی و ساعاتی مجال برای بیان اندیشه‌های آزادی خواهانه بود؛ در حالی که میقاتی تنها طبیعت دل‌ربای طرابلس را به دلیل زیبایی‌اش توصیف کرده است؛ بنابراین عواطف میهن‌دوستانه در اشعار ساعاتی از افق فکری گسترده‌تری برخوردار است.

۷- خیال شعری عشقی، میقاتی و ساعاتی به ترتیب کلاسیک، ساده و تلفیقی بوده است.

کتابشناسی

- ۱- طه، عثمان، (۱۹۷۷م)، *قرآن کریم، للعتبة الحسينية المقدسة*.
- ۲- جبور، جبرائیل، (۱۹۵۹)، «*ادبیات معاصر عربی در لبنان*»، مجله الدراسات الأدبیه، الجامعة اللبنانیه قسم اللغة الفارسیه و آدابها، العدد الأول، ص ۳۶.
- ۳- الخازن، ولیم، (بی تا)، *الشعر و الوطنیه فی لبنان و البلاد العربیه من مطلع النهضه إلى عام ۱۹۳۹ م*، بیروت: دارالمشرق.
- ۴- زرقانی، مهدی، (۱۳۸۷)، *چشم‌انداز شعر معاصر ایران*، تهران: ثالث.
- ۵- الساعاتی، محمود؛ أفندی، صفوت، (۱۹۱۱)، *دیوان المرحوم محمود أفندی صفوت الشهیر بالساعاتی*، جمعه مصطفی رشید بک، مصر: المعارف.
- ۶- شقیر لبنانی، شاکر، (۱۸۸۸)، *مصباح الأفكار فی نظم الأشعار*، بیروت: اللبنانیه.
- ۷- شیخو الیسوعی، لويس، (۱۹۸۶)، *تاریخ الآداب العربیه فی القرن التاسع عشر و الربع الأول من القرن العشرين*، الطبعة الثالثة، بیروت: دارالمشرق.
- ۸- ضیف، احمد، (۱۳۴۴)، *الأدب المصری فی القرن التاسع عشر (الشعر المصری)*، مجلات مجموعه علوم انسانی (المقتطف)، شام (مصر)، الجزء.
- ۹- عشقی، میرزاده، (۱۳۵۰)، *کلیات مصور عشقی*، به کوشش علی‌اکبر مشیر سلیمی، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- ۱۰- (۱۳۷۹)، *دیوان اشعار*، تهران: فرخی.
- ۱۱- المیقاتی الطرابلسی؛ أفندی، محمد، (۱۳۰۴)، *دیوان حسن الصیاعه لجوهر البلاغه*، بنفقه عبدالحمید أفندی حبص، بیروت: الادبیه.
- ۱۲- نوفل، سید، (۱۹۴۵)، *شعر الطبیعه فی الأدب العربی*، الطبعة الأولى، قاهره: شرکه مساهمه مصریه.